«دنیای اقتصاد» به شما «قدرت پیش‌بینی» می‌دهد

دنیای اقتصاد

روزنامه صبح ایران

دوشنبه
۱۸ آبان ۱۴۰۵
۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۹ نوامبر ۲۰۲۶
سال ۲۴. شماره ۶۷۰۳
۲۴ صفحه. ۳۰۰۰۰ تومان

DONYA-E-EQTESAD.COM
threads deghtesad | Linkedin donya-e-eqtesad | Twitter deghtesad | instagram deghtesad | Telegram @den_ir

سهام مایکت عرضه می‌شود
گزارش جلسهٔ معارفه را در صفحهٔ ۱۰ بخوانید.

محدودیت‌های جدید برای مخارج دستگاه‌های دولتی ابلاغ شد

اولویت‌های اقتصادی بودجه ۱۴۰۶

بخشنامه بودجه سال ۱۴۰۶ در شرایطی به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده که دولت با محدودیت منابع مالی، تداوم تورم بالا و ضرورت بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده اقتصاد روبه‌رو است. در این چارچوب، «ثبات، تاب‌آوری و بازسازی» سه محور اصلی سیاست‌های مالی سال آینده معرفی شده‌اند؛ رویکردی که مهار تورم و جلوگیری از تامین مالی تورم‌زای کسری بودجه را در کنار حفظ تولید و اشتغال و حمایت هدفمند از خانوارها قرار می‌دهد. دولت همچنین بر صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری، محدود کردن تعهدات جدید و استفاده از سرمایه بخش خصوصی برای پیشبرد پروژه‌ها تاکید کرده است. در حوزه دستمزد نیز افزایش متوسط ۳۵درصدی حقوق کارکنان با الگوی پلکانی معکوس پیش‌بینی شده است تا سهم بیشتری از افزایش حقوق به کارکنان کم‌درآمد برسد. با این حال، تحقق اهداف معیشتی این سیاست به مهار تورم و توان دولت در تامین پایدار منابع وابسته است؛ چالشی که توازن میان انضباط مالی و حفظ قدرت خرید را به مساله اصلی بودجه سال آینده تبدیل می‌کند. محمدقاسمی، معاون هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، در گفت‌وگو با گروه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد»، با تشریح الزامات بودجه‌ریزی در شرایط جنگی، از ضرورت آمادگی برای سناریوی صفر شدن درآمدهای نفتی سخن گفت. به گفته او، جنگ همزمان منابع درآمدی دولت را کاهش داده و هزینه‌های آن را افزایش داده است؛ بنابراین، پرداخت حقوق کارکنان، مستمری بازنشستگان و تعهدات اوراق بدهی در اولویت قرار گرفته‌اند. این مقام مسوول همچنین تاکید کرد که دولت برای جلوگیری از تشدید تورم، از استقراض مستقیم از بانک مرکزی پرهیز کرده است. قاسمی اشاره کرد که دولت قصد دارد با کنترل هزینه‌ها، اصلاح ساختار دستگاه‌ها و هماهنگی سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و انرژی، از انتقال فشارهای ناشی از محدودیت منابع به تولید و معیشت جلوگیری کند. با این حال، تحقق این اهداف به میزان پایبندی دستگاه‌های اجرایی به انضباط مالی و مهم‌تر از آن، موفقیت دولت در مهار تورم و تامین منابع پایدار بستگی دارد.
۴»

پایان معادله قدیمی نفت

جنگ علیه ایران تنها معادلات امنیتی خاورمیانه را تغییر نداده، بلکه نشان داده است اقتصاد جهانی تا چه اندازه در برابر اختلال در مسیرهای انتقال انرژی آسیب‌پذیر است. وابستگی اعراب به نفت، حمایت نظامی آمریکا و تنگه هرمز، اکنون به سه نقطه آسیب‌پذیری راهبردی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تنوع‌بخشی به اقتصاد، مسیرهای صادراتی و منابع تامین انرژی دیگر انتخابی بلندمدت نیست، بلکه ضرورتی امنیتی و نشان‌دهنده پایان معادله سنتی نفت در برابر امنیت است. همزمان، بحران انرژی می‌تواند گذار به انرژی‌های پاک را شتاب دهد؛ زیرا جنگ نشان داده اتکای بیش از حد به سوخت‌های فسیلی و مسیرهای انتقال پرخطر چه هزینه‌ای برای اقتصاد جهانی دارد. با این حال، تناقض اصلی پابرجاست: افزایش قیمت نفت ممکن است دولت‌ها را به سرمایه‌گذاری بیشتر در تولید فسیلی سوق دهد؛ همان‌طور که می‌تواند انگیزه توسعه تجدیدپذیرها و برقی‌سازی را تقویت کند. بنابراین، بحران به‌تنهایی ضامن گذار سبز نیست؛ مساله تعیین‌کننده این است که آیا دولت‌ها این شوک را به فرصتی برای تغییر ساختار انرژی تبدیل می‌کنند؟
۲و۱۵»

سرمقاله

استراتژی توسعه



دکتر محمدمهدی بهکیش

در جهان امروز، برنامه‌های توسعه به‌تدریج جای خود را به استراتژی‌های توسعه داده‌اند. دلیل این تغییر، تحولاتی است که در ساختار اقتصاد کشورها رخ داده است. در ادامه
۱»

یادداشت

هفت‌خوان تجارت خارجی؛ خوان ششم



دکتر داود دانش جعفری

در تجارت خارجی، گاهی یک کشور درآمد ارزی کافی دارد، اما زمان دریافت این درآمد با زمان پرداخت هزینه واردات هماهنگ نیست.
۳»

گزارش

حرکت معکوس در بورس

بورس تهران دیروز با وجود رشد محدود شاخص‌ها از احتیاط معامله‌گران در امان نماند. شاخص کل یک روز پس از بازپس‌گیری کانال ۸میلیونی با فشار فروش، پرونده خود را بست. کارشناسان معتقدند تا زمان تداوم ریسک‌ها، نوسان و تردید در معاملات بازار سرمایه ادامه خواهد داشت.
۹»

گزارش

بازگشت سامانه یکپارچه فروش خودرو

مهلت سه‌ماهه دادستانی تهران به وزارت صمت برای ایجاد سامانه متمرکز عرضه خودرو و الزام عرضه‌کنندگان به فروش از این مسیر، بار دیگر بحث مداخله دولت در شبکه فروش را مطرح کرده؛ تصمیمی که با توجه به تجربه سامانه یکپارچه با ابهاماتی روبه‌رو است.
۶»

تحلیل

طلسم نتانیاهو شکسته شد؟

اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی، گادی آیزنکوت را مامور تشکیل کابینه کرد. او ۲۸ روز فرصت دارد تا ائتلافی با کسب حداقل ۶۱ کرسی تشکیل دهد تا به نخست‌وزیری نتانیاهو پایان دهد.
۱۶»

تحلیل

شوک سیاست و اشتغال به رمزارز

پیروزی دموکرات‌ها و گزارش قوی اشتغال آمریکا، دو مانع اصلی صعود کریپتو هستند. ترس از تشدید قوانین و احتمال تداوم سیاست‌های انقباضی فدرال‌رزرو، باعث خروج نقدینگی از بازار دارایی‌های پرریسک شده است.
۱۲»

تکثیر «ممدانی» در کلان‌شهرهای آمریکا

۷»



«جینیز لوئیس جورج»، شهردار جدید واشنگتن دی‌سی وعده تثبیت اجاره‌بها و حمل‌ونقل عمومی رایگان داده است

مکران قطب جدید تجارت می‌شود؟

نقشه ایجاد بنادر غول‌پیکر

نشست «چالش‌های حکمرانی، تقنینی و اجرایی سیاست‌های توسعه دریامحور» با حضور علی عبدالعلی‌زاده، دستیار رئیس جمهور، در توسعه دریامحور به همت مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد. در این نشست، دستیار رئیس جمهور از نقشه ایجاد ۲ بندر عظیم نفتی و کانتینری در مکران خبر داد و گفت: منطقه مکران ظرفیت‌های بسیار بزرگی دارد که هنوز به‌درستی شناخته نشده‌اند. برای نمونه، در این منطقه می‌توان ۲ بندر بسیار بزرگ ایجاد کرد. یکی با ظرفیت ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تن برای فعالیت‌های نفت، گاز و پتروشیمی و دیگری در مجاورت آقیانوس هند با ظرفیت یک میلیارد تن برای حمل‌ونقل کانتینری.
۸»

فاصله اعتبار تا نقدینگی

گسترش ابزارهای تامین مالی زنجیره‌ای با راه‌اندازی کارت تامین بار تولید، با هدف تسهیل دسترسی بنگاه‌ها به سرمایه در گردش دنبال می‌شود؛ با این حال، تخصیص اعتبار به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل نقدینگی تولیدکنندگان را برطرف کند. دشواری نقدشوندگی اوراق گام، محدودیت پذیرش آن از سوی دستگاه‌های دولتی، هزینه بالای تامین مالی و سخت‌گیری در اعتبارسنجی، از جمله موانع اثربخشی این ابزار است. کارشناسان معتقدند تا زمانی که امکان نقد کردن اوراق و دسترسی بنگاه‌ها به منابع اعتباری فراهم نشود، نمی‌توان از بهبود تامین مالی تولید سخن گفت.
۳»

تیترهای منتخب

۲ چین منجی دیپلماسی ترامپ می‌شود؟
۵ افت تولید در قلب زنجیره فولاد
۱۷ دلارسازهای دیجیتالی پیونگ‌یانگ
۲۲ نحوه واکنش در برابر کارکنان بی‌انگیزه
۲۴ ضربه باران به کتابخانه دکتر مینوی

استراتژی توسعه

دکتر محمدمهدی بهکیش
اقتصاددان

بشنوید

در جهان امروز، برنامه‌های توسعه به‌تدریج جای خود را به استراتژی‌های توسعه داده‌اند. دلیل این تغییر، تحولاتی است که در ساختار اقتصاد کشورها رخ داده است. در دهه‌های اخیر، بخش خصوصی در اقتصادها بسیار فعال‌تر از گذشته شده و تخصیص منابع صرفا در اختیار دولت نیست. در چنین شرایطی، دولت‌ها به‌جای آنکه تمام منابع و فعالیت‌های اقتصادی را مستقیما مدیریت کنند، راهبردهای توسعه را تعیین می‌کنند و از طریق ضوابط، تامین اعتبار و سایر امکاناتی که در اختیار دارند، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی را هدایت می‌کنند.

برای درک تفاوت الگوهای توسعه در جهان، می‌توان سه تجربه فرانسه، آلمان و چین را بررسی کرد؛ این سه کشور، هرکدام شیوه متفاوتی برای تعیین استراتژی توسعه و هدایت فعالیت‌های اقتصادی در پیش گرفته‌اند.

در آلمان، دولت راهبردهای توسعه را از طریق هماهنگی با مقامات محلی، سندیکاها، اتحادیه‌ها و بخش خصوصی دنبال می‌کند. در این الگو، استراتژی توسعه از بالا به پایین اعلام نمی‌شود، بلکه بخش خصوصی نیز در فرآیند تعیین و تدوین آن مشارکت دارد. حضور بخش خصوصی، اتحادیه‌ها، سندیکاها و دولت‌های محلی در این فرآیند موجب می‌شود اقتصادی صادرات‌محور مانند اقتصاد آلمان، با توجه به ظرفیت‌های بازار و تحولاتی که هر سال در آن رخ می‌دهد، برنامه و استراتژی توسعه متناسب با همان سال را تدوین کند. این الگو به آلمان امکان داده است از ظرفیت‌های اقتصادی خود به‌خوبی استفاده کند و میان برنامه‌های دولت و فعالیت‌های بخش خصوصی تضادی به‌وجود نیاید.

الگوی فرانسه با آلمان تفاوت دارد؛ در فرانسه، استراتژی‌های توسعه از سوی دولت اعلام می‌شوند و هماهنگی میان دولت، بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و نهادهای محلی، به شکلی که در آلمان وجود دارد، دیده نمی‌شود. در این شیوه، مانند بسیاری از کشورها، از جمله ایران، دولت برنامه را تدوین و اعلام می‌کند و انتظار دارد بخش خصوصی نیز از آن پیروی کند. با این حال، واقعیت‌های بازار پیوسته در حال تغییر هستند و همین تغییرات شرایطی ایجاد می‌کنند که بسیاری از استراتژی‌های اعلام‌شده از سوی دولت فرانسه امکان اجرا پیدا نمی‌کنند. شاید یکی از دلایل حرکت بسیار کندتر اقتصاد فرانسه در مقایسه با اقتصاد آلمان نیز همین مساله باشد. در آلمان، هماهنگی میان دولت‌های محلی، دولت فدرال و بخش خصوصی شرایطی فراهم کرده است که سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی متناسب با تحولات بازار پیش بروند؛ اما در فرانسه چنین هماهنگی وجود ندارد.

در چین الگوی متفاوت وجود دارد؛ زیرا اقتصاد این کشور ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی است و در این کشور بخش خصوصی بسیار فعال است. بخش عمده‌ای از صادرات چین بر عهده بخش خصوصی است، اما دولت و شرکت‌های دولتی نیز در اقتصاد این کشور حضور دارند و از اهمیت قابل‌توجهی برخوردارند. آمارها نشان می‌دهند که حدود ۴۰ درصد از سرمایه‌گذاری ثابت سالانه از طریق دولت و شرکت‌های دولتی انجام می‌شود.

این ساختار به دولت چین امکان می‌دهد تخصیص منابع را برنامه‌ریزی و از طریق سیاست‌های مختلف، از جمله سیاست‌های بانکی، فعالیت‌های بخش خصوصی را هدایت کند. در چین حدود پنج بانک دولتی بسیار قدرتمند وجود دارد. بانک‌های خصوصی و بانک مرکزی چین نیز از طریق سیاستگذاری، به‌ویژه سیاست‌های تسهیل اعتباری برای صنایعی که موردنظر دولت هستند، بر رشد صنایع اثر می‌گذارند. این هدایت هم از نظر نوع صنایع و هم از نظر موقعیت جغرافیایی فعالیت آنها صورت می‌گیرد. بانک مرکزی چین در این زمینه نقش بسیار مهمی دارد. البته در تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه باید به این مساله توجه کرد که بهتر است مدت اعتبار برنامه‌ها به دو تا سه سال محدود شود؛ چراکه شتاب تحولات به‌اندازه‌ای است که تدوین استراتژی و حتی برنامه‌ریزی برای دوره‌های بلندمدت را دشوار و گاه ناممکن می‌کند.

وضعیت ایران با این سه الگو تفاوت دارد؛ مساله اصلی اقتصاد ایران، نبود استراتژی متناسب با ظرفیت‌های کشور است. پیش از انقلاب، برنامه‌های توسعه ما عمدتا ماهیت عمرانی داشتند. دو یا سه برنامه نخست توسعه پیش از انقلاب کاملا برنامه‌های عمرانی بودند و اساسا به تخصیص منابع دولت اختصاص داشتند. در برنامه‌های سوم و چهارم پیش از انقلاب، وجوه اجتماعی و فرهنگی نیز به برنامه‌ها اضافه شد. به این ترتیب، برنامه‌ها به برنامه‌های جامع تبدیل شدند و مجموعه‌ای از سیاست‌ها نیز در آنها لحاظ شد.

پس از انقلاب، ترکیبی از تخصیص منابع و سیاست‌ها در برنامه‌های توسعه ادامه پیدا کرد؛ اما مشکل عمده این برنامه‌ها آن است که با توجه به ظرفیت‌های کشور تدوین نشده‌اند. برنامه‌های ما بیشتر بر آرزوها استوار بوده‌اند؛ آرزوهایی که حتی آرزوهای واقعی هم نبوده‌اند. اگر این برنامه‌ها بر آرزوهای واقعی استوار بودند، می‌توانستند عملکرد بسیار بهتری داشته باشند.

در واقع، برنامه‌ها حاصل کنار هم قرار گرفتن آرزوهای پراکنده بخش‌های مختلف نظام بوده‌اند؛ بخش‌هایی که هرکدام دیدگاه و خواسته خود را در تدوین برنامه‌ها وارد کرده‌اند. سازمان برنامه پیش‌نویس برنامه را تهیه می‌کرد، اما این پیش‌نویس در مجلس دستخوش تغییرات گسترده می‌شد. در دولت نیز تغییرات دیگری در آن صورت می‌گرفت و سایر مراجع تصمیم‌گیری هم بار دیگر تغییراتی اعمال می‌کردند. حاصل این فرآیند، مجموعه‌ای نامنسجم بود که نه امکان اجرای مناسبی داشت و نه می‌توانست مسیر حرکت اقتصاد را مشخص و فعالیت‌های اقتصادی را هدایت کند.

اگر بخواهیم برای کشور برنامه یا استراتژی توسعه تدوین کنیم، باید این کار را بر اساس ظرفیت‌های واقعی کشور انجام دهیم. با این حال، ارزیابی این ظرفیت‌ها در شرایط جنگی امکان‌پذیر نیست. اکنون در وضعیت جنگی و محاصره اقتصادی قرار داریم و طبیعتا در چنین فضای فکری‌ای نمی‌توان برنامه‌ای برای توسعه تدوین کرد. از این‌رو، در شرایط فعلی باید هرگونه تهیه برنامه یا استراتژی توسعه را به کلی کنار بگذاریم.

در حال حاضر، تمام هدف حکومت باید رفع تحریم‌ها، آشتی با جهان و برقراری ارتباط عادی با کشورهای دیگر باشد. امکان توسعه در آینده به این مساله وابسته است که آیا می‌توانیم روابط عادی خود را با سایر کشورها برقرار کنیم و اقتصادی صادرات‌محور داشته باشیم یا خیر. اگر اقتصاد صادرات‌محور را در پیش نگیریم، اقتصاد کشور رشد نخواهد کرد. اقتصاد خودکفا، اقتصادی رشدیابنده نیست. در دنیای امروز، اقتصادهای خودکفا نمی‌توانند رشد کنند و برای دستیابی به رشد اقتصادی باید با اقتصاد جهانی ارتباط داشته باشند.

بنابراین، اگر حکومت بخواهد در آینده رشد اقتصادی ایجاد کند و رفاه جامعه را افزایش دهد، ابتدا باید موانع را برطرف و مسیر را هموار کند. این کار مستلزم رفع تحریم‌ها، آشتی با جهان و بازگشت روابط ایران با سایر کشورها به وضعیت عادی است.

اهمیت این مساله را می‌توان با نگاهی به تجربه گذشته کشور در تجارت خارجی دریافت. ما در گذشته صادرات بسیار خوبی به اروپا و همچنین شرق آسیا داشتیم. زمانی که به سوپرمارکت‌های آلمان می‌رفتیم، کالاهای ایرانی بسیاری در آنها دیده می‌شد؛ اما امروز شاید حتی یک نمونه از این کالاها نیز در آنجا وجود نداشته باشد. اگر هم کالایی از ایران به آلمان یا سایر کشورهای اروپایی صادر شده باشد، احتمالا با نام‌های دیگر و در بسته‌بندی‌هایی متعلق به کشورهای دیگر عرضه شده است.

ما تاکنون هزینه بسیار زیادی برای تعارض با جهان پرداخته‌ایم. در این مسیر موفقیت‌هایی نیز داشته‌ایم، اما هزینه‌ای که از جیب ملت پرداخت شده، حجم عظیمی از منابع کشور را دربرگرفته است. مردم شایسته‌اند دوره‌ای از رفاه را تجربه کنند. برای رسیدن به چنین دوره‌ای، ابتدا باید محدودیت‌های فعلی را به هر ترتیبی که امکان‌پذیر است، برطرف کنیم. تدوین استراتژی توسعه باید در دو مرحله دنبال شود: نخست، رفع محدودیت‌های موجود و سپس، طراحی و اجرای استراتژی توسعه. مرحله دوم زمانی آغاز می‌شود که شرایط لازم برای آن فراهم شده باشد؛ زمانی که امیدوارم به‌زودی فرا برسد.

سه محور اصلی استراتژی توسعه

در مرحله تدوین استراتژی توسعه، باید سه محور اصلی را در نظر بگیریم: ایجاد اقتصادی صادرات‌محور، به‌کارگیری نیروی انسانی خلاق و استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی کشور.
۱۴»

